

معرفی و نقد کتاب ۱

کنترل تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه: چشم‌انداز، موانع و انتخاب‌ها

Daniel Müller, Harald Müllle, WMD Arms Control in the Middle East: Prospects, Obstacles and Options, Ashgate Press, 2015, 358 pages.

کتاب حاضر در مورد ایجاد منطقه‌ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه است. علت تمرکز کتاب بر منطقه خاورمیانه در مقدمه آن به روشنی شرح داده شده است. از این حیث نویسندگان اشاره می‌کنند که بدون هیچ‌گونه تردیدی خاورمیانه یا خاورمیانه بزرگتر از منظر وجود و استفاده کردن از تسلیحات کشتار جمعی، یگانه منطقه به شدت حساس و پرخطر در سطح جهان محسوب می‌شود. از یک سو، در این منطقه رژیم صهیونیستی وجود دارد که دارای شمار نه چندان روشنی تسلیحات هسته‌ای است. از سوی دیگر، برخی از کشورهای منطقه نیز متهم به تلاش برای ساخت تسلیحات هسته‌ای هستند. به واقع، در هیچ کجای دنیا به اندازه خاورمیانه کشورهایی همچون سوریه یا عراق متهم به تلاش برای به دست آوردن تسلیحات هسته‌ای نشده‌اند. همچنین گفته می‌شود برخی دیگر از کشورهای منطقه، همچون عربستان به دنبال خرید تسلیحات هسته‌ای از سایر کشورها از جمله پاکستان هستند. برخی از کارشناسان، پاکستان را به واسطه نزدیکی، دین و تروریسم بخشی از خاورمیانه بزرگتر می‌دانند. بر این اساس، در صورتی که پاکستان نیز جزو خاورمیانه به حساب آید در خاورمیانه رژیم صهیونیستی و پاکستان دارای تسلیحات

هسته‌ای هستند. ضمن اینکه خاورمیانه تنها منطقه‌ای در جهان محسوب می‌شود که بعد از جنگ جهانی دوم در آن از تسلیحات شیمیایی استفاده شده است. بنابراین تمرکز جامعه جهانی و به خصوص جامعه علمی بر این منطقه، با هدف شناسایی وضعیت، ابعاد و پیچیدگی‌های مرتبط با کنترل تسلیحات و خلع سلاح، به ویژه در مورد تسلیحات کشتار جمعی کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

در چنین چارچوبی از ضرورت و اهمیت، این کتاب با حمایت و نظارت «کنسرسیوم اتحادیه اروپا برای کنترل تسلیحات و خلع سلاح»^۱ در مورد وضعیت و ابعاد مختلف موضوع در منطقه خاورمیانه نوشته شده است. لازم به ذکر است که کتاب حاضر حاصل برگزاری دو کنفرانس مهم در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ می‌باشد. علت اصلی تمرکز اتحادیه اروپا بر خاورمیانه به واسطه نقشی است که کنفرانس بازبینی پیمان منع گسترش هسته‌ای در سال ۲۰۱۰ به این نهاد داد تا زمینه‌های اجرایی شدن قطعنامه ۱۹۹۵ را فراهم سازد. این قطعنامه در مورد «خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی»^۲ می‌باشد. بنابراین به شکلی اتحادیه اروپا محل گفتگوهای کارشناسان و سیاستمداران مختلف برای حل مشکلات و برداشت موانع با هدف تحقق ایجاد خاورمیانه‌ای عاری از انواع و اقسام تسلیحات کشتار جمعی شده است.

از منظر ساختاری، کتاب حاضر مشتمل بر بخش‌ها و فصول متنوعی می‌باشد که هر کدام از فصول توسط کارشناسان و اساتید متخصص در آن حوزه یا کشور خاص نوشته شده‌اند. به همین دلیل تنوع گسترده‌ای بین نویسندگان از اروپا، آمریکا و خاورمیانه مشاهده می‌شود و همین عامل باعث شده تا کتاب ضمن جامعیت کامل، دیدگاه‌های مختلف و متنوع را نیز در برگیرد. با توجه به این موضوع، در ادامه خلاصه‌ای از مهم‌ترین محورها و موضوعات کتاب مطرح می‌شود و در نهایت نقد و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

^۱- EU Consortium for Non-Proliferation and Disarmament

^۲ - Weapons of Mass Destruction (WMD) Free Zone in the Middle East

محتوای کتاب

در مقدمه به این موضوع اشاره شده که خاورمیانه عقب‌مانده‌ترین منطقه جهان از حیث تلاش‌های حقوقی و سیاسی برای مدون نمودن معاهداتی برای کنترل تسلیحات و خلع‌سلاح محسوب می‌شود. به عنوان نمونه درست در زمانی که کشورهای سایر مناطق در حال تدوین و نهایی نمودن پیمان‌هایی در این زمینه بودند، خاورمیانه درگیر اختلافات داخلی بین کشورهای طرفدار غرب و شرق بود. به همین شکل، پس از پایان جنگ سرد و ایجاد زمینه برای معاهدات جهانی در این زمینه، باز کشورهای خاورمیانه از سایر کشورها عقب‌تر بودند و نتیجه این شد که عملاً در حال حاضر در این منطقه هیچ‌گونه توافقی در ارتباط با تسلیحات کشتار جمعی وجود ندارد. ضمن اینکه در زمینه مشارکت در معاهدات جهانی نیز کشورهای خاورمیانه بسیار عقب‌تر از سایر مناطق هستند. این در شرایطی می‌باشد که کم‌وبیش در سایر مناطق موفقیت‌های بزرگی در این زمینه بوجود آمده است. تاکنون در شش منطقه جهان معاهداتی برای ایجاد مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای نهایی شده است. این معاهدات شامل: معاهده قطب جنوب در سال ۱۹۵۹، معاهده آمریکای لاتین و منطقه کارائیب در سال ۱۹۶۷، معاهده اقیانوس آرام جنوبی در سال ۱۹۸۵، معاهده بانکوک برای آسیای جنوب شرقی در سال ۱۹۹۵، معاهده آسیای مرکزی ۲۰۰۶ و معاهده «پلین دابا»^۱ در سال ۲۰۰۹ در مورد منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در آفریقا می‌باشند.

البته در سال ۱۹۷۴ پیشنهادی با عنوان «منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه»^۲ توسط ایران و با حمایت مصر مطرح شد، ولی بنا به دلایلی ره به جایی نبرد. از جمله مهم‌ترین دلایل ناکامی این طرح، مخالفت رژیم صهیونیستی با آن بود که به عنوان تنها دارنده تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه می‌خواست انحصار و قدرت اتمی خود را حفظ کند. از نظر نویسندگان کتاب، دلیل دیگر ناکامی این طرح کلی بودن آن بدون اشاره به اصول، محورها، مراحل و جزئیات بود. به همین دلیل در فصول ابتدایی در ارتباط با چنین موضوعاتی بحث شده است. از جمله اینکه یکی از مهم‌ترین مقدمات برای ایجاد منطقه

^۱- Pelindaba

^۲- Nuclear Weapon Free Zone in the Middle East

عاری از تسلیحات کشتار جمعی، حل و فصل نهایی اختلافات ارضی، مرزی و ایدئولوژیک بین کشورهای منطقه عنوان شده است. بر این اساس گفته شده تا زمانی که اختلافاتی جدی بین کشورهای منطقه در ابعاد و موضوعات مختلف وجود دارد، عملاً نمی‌توان انتظار داشت آنها در مورد موضوعات مهم‌تر و حساستری چون ایجاد منطقه عاری از هرگونه تسلیحات کشتار جمعی موافقت کنند.

در بخشی دیگر از کتاب، در مورد روندهای مرتبط با ایجاد منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه طی چند دهه گذشته بحث شده و سیاست خارجی کشورهای مختلف در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان نمونه به سیاست تقریباً مشترک ایران، کشورهای عربی و به خصوص مصر اشاره شده که به شدت طرفدار ایجاد خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای بوده و هستند. با این وجود این امر با مخالفت و اعتراض گسترده رژیم صهیونیستی مواجه است. به باور مقامات این رژیم تا زمانی که صلح خاورمیانه به نتیجه نهایی نرسد و کشورهای منطقه به شکل کامل اسرائیل را به رسمیت نشناسند، تحقق این امر غیر ممکن خواهد بود. ضمن اینکه مقامات صهیونیستی بر این باورند، در حالی که برخی از کشورهای منطقه سایر انواع تسلیحات کشتار جمعی چون تسلیحات شیمیایی و میکروبی را در اختیار دارند، طرح خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای منطقی نیست. کشورهای خاورمیانه برای سلب بهانه از رژیم صهیونیستی طرح ایجاد منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی را مطرح نمودند، با این وجود، این امر تاثیری بر موضع غیرمنطقی رژیم صهیونیستی نگذاشت و این کشور همچنان تسلیحات هسته‌ای خود را حفظ و از سیاست ابهام در قبال آن استفاده می‌کند. همان‌گونه که جدول زیر نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی حدود ۸۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد.

کشور	کلاhek آماده پرتاب	کلاhek ذخيره	کل
آمریکا	۲۱۵۰	۵۸۵۰	۸۰۰۰
روسیه	۱۸۰۰	۸۲۰۰	۱۰۰۰۰
انگلستان	۱۶۰	۶۵	۲۲۵
فرانسه	۲۹۰	۱۰	۳۰۰
چین	نامشخص	۲۰۰	۲۴۰
هند	نامشخص	۸۰-۱۰۰	۸۰-۱۰۰
پاکستان	نامشخص	۹۰-۱۱۰	۹۰-۱۱۰
رژیم صهیونیستی	نامشخص	۸۰	۸۰
کره شمالی	نامشخص	نامشخص	نامشخص
کل	۴۴۰۰	۱۴۶۰۰	۱۹۰۰۰

Source: SIPRI Military Expenditure Database,

<<http://www.sipri.org/databases/milex/>>.

موضوع بخش دیگری از کتاب بررسی وضعیت حقوقی کشورهای منطقه در عضویت پیمان‌ها و کنوانسیون‌های مختلف در ارتباط با تسلیحات کشتار جمعی می‌باشد. به همین دلیل به شکل بسیار مفصل و دقیق شرایط عضویت هر کدام از کشورهای منطقه در «پیمان منع گسترش هسته‌ای»^۱، «کنوانسیون تسلیحات شیمیایی (۱۹۹۲)»^۲ و «کنوانسیون تسلیحات میکروبی و سمی (۱۹۷۲)»^۳ مورد بررسی قرار گرفته است. در مقایسه با سایر مناطق، کشورهای خاورمیانه کمترین عضویت و همکاری را با چنین پیمان‌هایی دارند. به عنوان نمونه، در مورد کشورهای منطقه این تردید وجود دارد که برخی از آنها دارای ذخایر بزرگی از تسلیحات میکروبی و شیمیایی هستند. این موضوع به خصوص در مورد عراق در دوران صدام، رژیم صهیونیستی و همچنین سوریه احتمال بیشتری دارد.

^۱- Non – Proliferation Treaty

^۲- Chemical Weapons Convention (CWC)

^۳- Biological and Toxin Weapons Convention (BTWC)

وضعیت حقوقی برنامه هسته‌ای کشورهای خاورمیانه

کشور	عضویت در پیمان منع گسترش هسته‌ای	عضویت در پروتکل الحاقی	عضویت در پروتکل کمیت اندک ^۱
عربستان	+	-	+
امارات	+	+	+
قطر	+	-	+
کویت	+	+	+
بحرین	+	+	+
عمان	+	-	+
عراق	+	+	-
اردن	+	+	+
مصر	+	-	-
سوریه	+	-	-
ترکیه	+	+	-
رژیم صهیونیستی	-	-	-

Source: www.iaea.org

موضوع بخش دیگری از کتاب در مورد برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد. نویسندگان این بخش در مورد حق ایران در زمینه داشتن چرخه کامل انرژی هسته‌ای بحث نموده است. به باور وی در حالی که چیزی در حدود چهار دهه از پیمان منع گسترش هسته‌ای می‌گذرد و در حالی که تقریباً ۱۹۰ کشور به این پیمان پیوسته‌اند، اهداف اصلی پیمان هنوز تحقق نیافته است. اول اینکه هنوز کشورهای دارای تسلیحات اتمی چون آمریکا و روسیه اقدام چندانی در زمینه خلع یا حداقل کنترل تسلیحات هسته‌ای نکرده‌اند. بر این اساس در حالی که قرار بود کشورهای دارنده بمب اتم اقداماتی برای خلع سلاح هسته‌ای انجام دهند، عملاً چند کشور دیگر از جمله پاکستان، هند نیز به آنها پیوسته‌اند. علاوه بر این بر اساس مفاد پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای قرار بود که کشورهای دارای دانش هسته‌ای به

^۱- Small Quantity Protocol

سایرین در این زمینه کمک کنند؛ اما این کشورها نه تنها چنین کاری نمی‌کنند، بلکه برخلاف یکی دیگر از اهداف پیمان تلاش دارند که دیگران را از حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای محروم کنند. نویسندگان به شدت موضع کشورهای بزرگ و دارنده تسلیحات اتمی را مورد نقد قرار داده است. در بخش‌های دیگر کتاب، موضوع موانع و مشکلات در راه رسیدن به خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله اینکه به اختلافات دامنه‌دار بین کشورهای منطقه و تأثیرات برخی موضوعات چون صلح خاورمیانه و همچنین اهمیت منطقه برای کشورهای بزرگ اشاره گردیده و در این زمینه راه‌حل‌ها و پیشنهادهای نیز مطرح شده است.

نقد و نتیجه‌گیری

بدون تردید، کتاب حاضر یکی از بهترین و جامع‌ترین آثاری محسوب می‌شود که طی چهار دهه گذشته در ارتباط با خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی نوشته شده است. علت اصلی این امر توجه به تجربیات گذشته و کنفرانس‌های برگزار شده و همچنین تنوع دیدگاهها از نویسندگان و کشورهای مختلف می‌باشد. بر این اساس به شکلی این کتاب نمایانگر کاملی از تجربیات، ناکامی‌ها، تضاد دیدگاه و سیاست‌های کشورهای مختلف در ارتباط با موضوع خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی طی بیش از چهار دهه گذشته محسوب می‌شود. خواننده کتاب تقریباً به شکل کامل در مورد ابعاد مختلف موضوع ایجاد خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی اطلاعات و دانش لازم را به دست می‌آورد.

با وجود این، در کتاب نکاتی دیده می‌شود که شایسته دقت نظر بیشتر بوده‌اند. اول اینکه به نظر می‌رسد در بخش موانع و مشکلات ایجاد خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی بر نقش رژیم صهیونیستی تمرکز لازم صورت نگرفته است. این در شرایطی می‌باشد که بدون تردید تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی مهم‌ترین عامل چنین ناکامی محسوب می‌شود. بنابراین سوال اصلی این است که چگونه می‌توان از خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی صحبت نمود؛ در حالی که یکی از کشورهای منطقه نه تنها عضو پیمان منع گسترش هسته‌ای نیست، بلکه دارای زرادخانه‌ای از تسلیحات هسته‌ای است؟

براین اساس تا زمانی که رژیم صهیونیستی به یک کشور غیراتمی تبدیل نشود و به عضویت پیمان منع گسترش هسته‌ای در نیاید، عملاً نمی‌توان اقدام خاصی در زمینه تحقق خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای نمود. مقامات رژیم صهیونیستی نیز تلویحاً تحقق چنین امری را منوط به تحقق صلح در خاورمیانه و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی کرده‌اند که این امر خود گویایی پیچیدگی بیشتر موضوع می‌باشد. ضمن اینکه این موضع مورد حمایت آمریکا نیز قرار دارد که این امر بر پیچیدگی‌های موضوع افزوده است.

افزون بر اینها در منطقه خاورمیانه شکاف‌های گسترده و همچنین اختلافات دامنه‌دار هویتی، قومیتی، مرزی و ارضی وجود دارد که در کتاب آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته‌اند. به تعبیری دیگر، در کتاب چنانکه از عنوان آن انتظار می‌رود تمرکز جدی و عمیقی بر روی موانع و مشکلات ایجاد منطقه‌ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی صورت نگرفته است. در این راستا نگاهی گذرا به وضعیت چند دهه گذشته خاورمیانه نشانگر عمق اختلافات کشورهای مختلف در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، مذهبی، قومیتی و هویتی می‌باشد که در موارد متعددی منجر به اختلافات دامنه‌دار و در نهایت جنگ‌های بزرگ و کوچک شده‌اند؛ ضمن اینکه بیشتر کشورهای منطقه در عرصه داخلی نیز با انواع و اقسام مسائل و مشکلات مواجه هستند. همه این موارد نشانگر آن هستند که در منطقه خاورمیانه شرایط سیاسی و امنیتی لازم و ضروری برای ایجاد منطقه‌ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی وجود ندارد. علی‌رغم بحث در مورد موانع تحقق چنین امری در خاورمیانه، نوعی خوش‌بینی نابجا در کتاب وجود دارد. با توجه به این شرایط و برخلاف ایده کلی کتاب حاضر، به نظر می‌رسد خاورمیانه کنونی فاصله زیادی با تحقق ایده خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی دارد. بنابراین با توجه به جمیع شرایط اگر نه در بلندمدت، حداقل در کوتاه و میان‌مدت نمی‌توان انتظاری در مورد تحقق ایده خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی داشت.

دکتر قاسم ترابی

دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان